

*Research Article*

## Comparison of Two Solar Systems, Emerging From Terms of the Semantics of Numbers

Zeynab Noroozali<sup>1</sup>, Ahmad Khiyali Khatibi<sup>2\*</sup>, Aliasqar Halabi<sup>2</sup>

### Abstract

The world of numbers is a fascinating world in the world. The first and foremost number is the symbol of science, ranging into statistics and documented for any Discussion. Show the quadruple action and show the heart of the smallest neutron particles. Building the largest building in the world has always started from a small number and a simple Calculation, it is the number raised and down, the tidal fraction and the trajectory of the missile reaches to the surface of the moon. On the other hand, the rational and regular number that the base of the world is easily assailed is the color of the story and its vast concepts. The argument holds for the numbers of power and a particular symbol that can affect the human life and the whole universe. One of the most widely used models is numbers. on the basis of Jung 's theory, we consider the number of numbers in the above mentioned works. They seem to have an accurate and accurate understanding of their numbers and use them in their works. Both are similar in practical concepts of numbers and have used it in their poems, especially in religious verses . The numbers are similar to symbolic meanings but with different frequency in both of them. This research has been done by using library and digital Resources.

**Keywords:** Comparative literature, symbolism, symbol, numbers, Saadatnameh, Saqhinameh, Astarabadi, Tarshizi

---

1. PhD Student, Faculty of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

2. Assistant professor and Faculty Member of the Faculty of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

**Correspondence Author:** Ahmad Khiyali Khatibi

**Email:** Ahmadkhatibi840@yahoo.com

DOI: [10.30495/CLQ.2022.694988](https://doi.org/10.30495/CLQ.2022.694988)

## مقایسه دو منظومه سعادت‌نامه استرآبادی و ساقی‌نامه ظهوری از منظر معناشناسی اعداد

زینب نوروزعلی<sup>۱</sup>، احمد خیالی خطیبی<sup>۲\*</sup>، علی اصغر حلبی<sup>۲</sup>

### چکیده

عدد اولین و مشخص‌ترین نماد علم به‌شمار می‌رود؛ به‌جامهٔ آمار درمی‌آید و به هر بحثی سندیت می‌بخشد. اعمال چهارگانه به خود می‌پذیرد و قلب کوچک‌ترین ذرات نوترونی را نشان می‌دهد. ساختن بزرگ‌ترین بناهای جهان از یک عدد کوچک و یک محاسبهٔ ساده شروع می‌شود، بالا و پایین شده، جذر و کسر می‌گیرد و مسیر رسیدن موشکی تا سطح کرهٔ ماه را مشخص می‌کند. همین عدد منطقی و منظم که پایهٔ جهان فیزیکی ست به‌راحتی می‌تواند در دنیای اسطوره‌ها بتازد، رنگ قصه بگیرد و مفاهیم گستردهٔ کهن‌الگویی را در خود جای دهد. در مبحث کهن‌الگویی برای اعداد قدرت و نشانه‌ای خاص قائل‌اند که می‌توان با آن بر کل کائنات تاثیر گذارد. در این مقاله به تطبیق اعداد در «سعادت‌نامهٔ نظام‌الدین استرآبادی» و «ساقی‌نامهٔ ظهوری ترشیزی» می‌پردازیم. به‌نظر می‌رسد هر دو شناخت عمیق و دقیقی از کهن‌الگوی اعداد داشته، آن را با استفاده از عنصرخیال در آثار خود به‌کار برده‌اند. اعداد با معانی نمادین مشابه و بسامد متفاوت در دو دیوان آمده است. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

**واژگان کلیدی:** نماد، اعداد. «سعادت‌نامهٔ استرآبادی»، «ساقی‌نامهٔ ترشیزی»

۱. دانشجوی دوره دکتری، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

ایمیل: Ahmadvkhatibi840@yahoo.com

نویسنده مسئول: احمد خیالی خطیبی

DOI: 10.30495/CLQ.2022.694988

## ۱. مقدمه

اعداد به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم کهن‌الگویی، از دیرباز در متون مختلف اعم از دینی و ادبی و ... به کار رفته‌اند و سابقه حضور آنها در متن شریف «قرآن کریم» نیز بر هیچ کس پوشیده نیست. نویسندگان متون ادبی با مطالعه آثاری که جنبه اسطوره‌ای داشتند و مشتمل بر الفاظ و مفاهیم نمادین بودند، رفته رفته به اهمیت اعداد و ارزش آنها پی بردند. اگر در آثار گذشتگان دقت کنیم متوجه می‌شویم که عددها تنها مقوله‌ها و مفاهیم کمی نیستند و کاربرد آنها تنها در مقوله شمارش پدیده‌ها خلاصه نمی‌گردد، بلکه از نظر کیفیت و کاربرد دلالت‌گونه نیز بسیار اهمیت دارند و باید از این جنبه نیز مورد توجه قرار بگیرند.

در مورد کاربرد و دلالت نمادین برخی از اعداد باید گفت گاهی برخی از پدیده‌ها تنها یکی هستند و این عدد بر منحصر به فرد بودن آن پدیده‌ها اشاره دارد و یا اینکه به عنوان مثال برخی از امور و پدیده‌ها دو تا هستند و باید با این عدد به آنها اشاره و در نهایت دنبال راز و رمز این زوج بودن گشت. یا اگر در سخنی از بزرگان دیدیم که یک مفهوم دارای سه مصداق است، این امر نشان می‌دهد که آن عدد بر نفی ماعدا دلالت دارد؛ به این معنا که هر آنچه خارج از این سه مورد باشد را نفی و از دایره مصادیق خارج می‌کند. به همین منوال می‌توان پیش رفت ضمن اینکه گاه برخی از مسائل و امور تعداد خاصی ندارند اما همین که در برخی از متون آنها را با عدد خاصی بیان می‌کنند، این امر برای بیان اهمیت آن است تا مخاطب یا خواننده متن، پس از در نظر گرفتن معنای نمادین آن عدد، مفهوم مورد نظر در ذهنش تداعی گردد. شایان ذکر است که در این راستا بسیاری از نویسندگان با در نظر گرفتن دلالت‌های معنایی و نمادین اعداد، از آنها برای بیان امور مختلف و حوادث و حالات روحی گوناگون استفاده کردند و این امر کاملاً آگاهانه و با دانش قبلی بود. هدف از این پژوهش آن است که با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات مختلف، دلالت اعداد در دو منظومه «سعادت‌نامه» نظام‌الدین/سترآبادی و «ساقی‌نامه» ظهوری/ترشیزی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد و نقش دلالت اعداد در انتقال معانی و مفاهیم در این دو اثر تبیین گردد تا خوانندگان علاوه بر آشنایی با مفاهیم موجود در این دو اثر، معانی نمادین اعداد و کاربردهای کیفی آنها را نیز به خوبی درک کنند و همین امر دال بر جنبه نوآوری در مقاله حاضر است؛ زیرا تا کنون اقدامی در این زمینه (یعنی دلالت اعداد در نسخه‌های خطی) صورت نگرفته و تنها به اعداد معدوله در قرآن کریم و برخی متون عرفانی توجه شده است. آنچه بر اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر تأکید می‌کند آن است که اعداد بیشتر به عنوان یکی از مفاهیم اصلی در علم ریاضیات کاربرد دارند، اما حضور آنها در متون ادبی و قرار گرفتن در مرکز توجه ادیبان یک مسأله بسیار مهم است و باید به خوبی به آن پرداخته شود تا راز و رمزهای آنها بیش از پیش آشکار گردد.

۱. اعداد در کدام یک از آثار ادبی گذشته کاربرد داشتند؟

۲. عملکرد/سترآبادی و ترشیزی در کاربرد اعداد در آثار خود چگونه ارزیابی می‌شود؟

سترآبادی و ترشیزی در آثار خود هر یک از اعداد را در چه معنایی به کار برده‌اند؟

## ۲. پیشینه پژوهش

اعداد نمادین در آثار دیگر به‌ویژه آثار عرفانی بررسی شده اما دو اثر «سعادت‌نامه» و «ساقی‌نامه» با فراوانی انگاره اعداد در آنها، مورد توجه قرار نگرفته است. البته نگارنده مقاله حاضر این دو اثر وزین را در زمینه‌های مختلف اعم از حیوانات نمادین، عناصر چهارگانه و... مورد مطالعه قرار داده است. طیبه جعفری و زینب چوقادی صرفاً عدد هفت را با محوریت تحلیل کارکرد کهن‌الگوها فقط در بخشی از داستان بهرام چوبین بررسی کرده‌اند. *سمانه جعفری* و *محمدعالی زاده* کارکرد نمادین برخی اعداد را در ساختار خسرو و شیرین نظامی بررسی کرده‌اند. زینب کریمی و همکاران صرفاً به مطالعه و تحلیل خود اعداد اسطوره‌ای پرداخته و آنها را در دل متن و شعر بررسی نکرده‌اند.

## ۳. بحث و مبانی تحقیق

ادبیات تطبیقی: نویسندگان «در تصویرسازی‌ها، شیوه بیان احساس‌ها، انتخاب قالب‌ها، موضوع‌ها، ترجمه‌ها و... از هم تأثیر می‌پذیرند و برهم اثر می‌گذارند.» (نوروزعلی، ۱۳۹۹: ۳). «از دانش‌های نوین ادبی است و در آن، پژوهش در موارد تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف و یافتن پیوندهای پیچیده و متعددی که در ادب گذشته و حال وجود دارد، انجام می‌گیرد.» (رزمجو، ۱۳۸۱، ۱: ۴۴۷). «تاریخ روابط ادبی بین‌المللی است.» (گویارد، ۱۳۷۴: ۲۲۴). «راه‌گشای تفاهم جمعی و درک متقابل ملت‌هاست زیرا، این امر خود تدارک بشر دوستی نوین می‌باشد.» (ساجدی، ۱۳۸۷: ۸۰). «اشتراکات فکری، علائق و سلیقه‌ها، پیوندها و اهداف واحد، لازمه دو اثر ادبی است.» (فرشیدور، ۱۳۶۸: ۱، ۸۰۸). «اگر ما نتوانیم قصه را با قصه دیگر بسنجیم، پس چگونه می‌توانیم قصه را با دین یا اسطوره بسنجیم؟» (پرپ، ۱۳۸۶: ۴۴). «یکی از رویکردهایی که در آن می‌توان به گونه‌ای ژرف و گسترده موضوع بازآفرینی اساطیر را بررسی و ارزیابی کرد مبحث نقد و ادبیات تطبیقی است.» (ساسانی و علوی مقدم، ۱۳۸۶: ۲).

**کهن‌الگو:** یا آرکی تایپ. «صورت نوعی و کلی دریافتند که در هیات تصاویر ازلی، انباشته از معنا و قدرت بسیار پدیدار می‌شوند. تصاویری که بر الگوی جمعی رفتار ما تأثیری شگرف می‌نهند و برای ما ایمنی و رستگاری به ارمغان می‌آورند.» (مورنو، ۱۳۸۶: ۷). «منشأ این صور دیرینه و اسطوره نهاد، ناخودآگاه جمعی ما و فعالیت آنان در قلمرو غرایز است و راز اشکال موروثی رفتارهای روانی ما در آنجاست.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۵).

**نماد:** شامل «چیزی گنگ، ناشناخته یا پنهان از ماست.» (یونگ، ۱۳۷۳: ۱۱۲). انسان این توانایی را دارد که محیط اطرافش را دگرگون کند. «دگرگونی مزبور، معنوی و اسطوره‌ای است و از طریق تصورات نمادین یا شبیه‌سازی شد بیان می‌گردد.» (کیستی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). «نماد در حقیقت، معنی وسیع‌تر و پیچیده‌تری دارد. از این رو، باید آن را از علامت، که به‌طور قراردادی تنها مفهوم مشخصی را می‌رساند... جدا دانست.» (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۲۸۱).

**اعداد:** شگفت‌انگیزترین اختراع بشر و از صورمثالی یونگ هستند. شمارش، پیشینه‌ای کهن دارد و بشر پیش از اختراع خط به آن آگاهی داشته است. مورخان با توجه به اسناد تاریخی، بابلی‌ها را نخستین

واضعان حساب و عدد می‌دانند. «ایشان با وضع حساب و عدد، سال را به ۱۲ ماه و ماه را به ۳۰ شبانه روز و شبانه روز را به ساعت‌ها، دقیقه‌ها و ثانیه‌ها تقسیم کردند.» (شبستری، ۱۳۷۶: ۲۴۴). «اعداد و مُسمیات آنها و ارقام و مدلولاتشان از علم اسماء است که خداوند به حضرت آدم (ع) آموخت.» (فیومی، ۱۳۷۹: ۵۷). «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا». (بقره/۲، ۳۱). «واژه عدد، ۶ بار در قرآن به صورت اسم و به دو معنا آمده است.» (سرمدی، ۱۳۸۰: ۲۳۶). «روان‌کاوان اعداد زوج را مؤنث و اعداد فرد را مذکر به حساب می‌آورند.» (پلی، ۱۳۷۸: ۲۷۸).

«ساقی‌نامه» و «ترشیزی»: نام ظهوری ترشیزی به اعتبار تذکره‌نویسان و محققان ملانورالدین محمد است. (ظهوری، ۱۳۹۴: ۲). درباره محل تولد ظهوری اتفاق نظر وجود ندارد. «ساقی‌نامه» در حدود سال ۱۰۰۰ هجری، در مدح برهان نظام‌شاه، ولی نعمت ظهوری در احمدنگر، سروده شده و علاوه بر برخورداری از مایه‌های اصلی و استوار شاعرانه و در حد خود استحکام لفظ و معنی، در چند مورد نیز کاملاً نوآورانه است. «هم از آغاز به سبب تازگی مطلب و برداشت‌های شاعرانه و عارفانه و تفصیل شهرت یافته است...» (صفا، ۱۳۸۲، ج ۴: ۴۶۳).

«سعادت‌نامه» و «استرآبادی»: نام او مولانا نظام‌الدین استرآبادی است. نظام تحت‌الشعاع اوضاع ادبی روزگار خود به معماگویی گرایش یافت و به نظام معمایی مشهور شد و رساله‌ای نیز با عنوان «دستور معما» نوشت. «منظومه «سعادت‌نامه» که از حماسه‌های مذهبی سرگذشت و جنگ‌های پیامبر، به وزن خسرو و شیرین [نظامی] است، را به سال ۹۱۸ق به نام وی به رشته نظم کشید.» (منزوی، ۱۳۵۰، ج ۴: ۲۹۱۰).

#### ۴. معنا شناسی نمادین اعداد

##### الف) صفر

در ابتدا مفهوم عدد بسیار محدود بوده و اعداد را فقط تا ۲ می‌شمرند. نخستین اعدادی که انسان در جایی نگاشته اعداد صحیح مثبت مثل یک، دو، سه و... بوده. صفر در اسلام مظهر ذات‌الهی، نشان دهنده تخم مرغ کیهانی، دوجنسی آغازین و خلأ نیز هست. «به صورت دایره‌ای تهی هم نمایانده نیستی و هم تمامیت زندگی است و دایره مظهر آن است. به همین دلیل در نماد دایره نیز شریک است.» (عارفی، ۱۳۹۵: ۳۵). صفر به شکل بیضی نمایان‌گر صعود، هبوط، قبض و بسط است. قبل از یک، تنها خلأ یا لاوجود، اندیشه، رمزغایی و مطلق که غیر قابل درک است وجود دارد. «عدم هستی، لاشیئیت، غیر مُتَعین، نامحدود، سرمدی، فقدان هر نوع کیفیت یا کمیت، در آیین تائو نماد خلاء و لاوجود، در آیین بودا مظهر خلاء و نیستی، در آیین قبلا، معرف بی‌کرائگی و نور بی‌پایان به‌شمار می‌رود.» (همان).

##### ب) یک:

نخستین شماره از اعداد، تنها عددی که نه اول است و نه مرکب. یک در اسلام و تمام ادیان الهی عددی مقدس و رمز الوهیت و یگانگی است. واحد به معنای یک ۶۱ مرتبه در قرآن آمده که ۲۱ بار آن در بیان یگانگی خداوند است. یک وحدت آغازین، شروع، آفریننده، محرک اول، مجموع ممکنات، ذات،

مرکز، تقسیم‌ناپذیر، جرثومه، انزال، غلبان و ناآرامی، اصلی که ثنویت و چندگانگی از آن بر می‌خیزد و سپس به وحدت باز می‌گردد. «نماد موجودیت، کشف، الهام و واسطه‌ای برای بالا بردن انسان به سطح موجودی برتر از طریق شناخت، یک مرکز باطنی و جایی است که ذات حق، چون خورشیدی پرتو می‌افکند.» (نیکوبخت و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۸). در اساطیر ایرانی، روز اول هر ماه به نام اورمزدا (اهورامزدا) نام‌گذاری شده که رابطه میان خدا و عدد یک را بیان می‌کند. «در سلسله اعداد تک شمایل، دو عدد بیرون از باقی می‌نشینند، به علت داشتن معنایی بنیادین الوهی، آن دو عدد یک و هفت است.» (گنون، ۱۳۸۷: ۶۷).

### پ) دو

این عدد ۱۵ بار در قرآن آمده است. اولین عدد از اعداد اول، دومین عدد طبیعی و سومین عدد حسابی است. مقابل یک قرار می‌گیرد و مظهر تضاد و درهم‌ریختگی و نماد شر و بدی است. «همان‌گونه که یک، مظهر نقطه است، دو، نمایان‌گر طول محسوب می‌شود.» (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۱۳۶). «دو نماد گناه ناشی از انحراف خیر اولیه به‌شمار می‌رود و بدین‌سان، ناپایداری و گمراهی را نمایش می‌دهد.» (عارفی، ۱۳۹۵: ۳۵). «این عدد در تمام آیین‌های سری شوم قلمداد شده و دلالت بر سایه دارد و نیز نشان‌گر جنسی بودن، اتصال بین مرگ و بی‌مرگی و تغییر و ثبات است.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۵۳). «ثنویت، تناوب، تنوع، ستیز، وابستگی، غیریت، ایستایی، بنیادی، از این رو مظهر توازی، سکون، انکعاس، قطب‌های متضاد و ذات دوگانه انسان و هوس است که همه آنها در ثنویت و ضدین تجلی می‌یابد.» (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

### ت) سه

این عدد ۱۷ بار در قرآن آمده و در سراسر جهان عددی بنیادی و اولین عدد در بردارندهٔ واژهٔ (همه) است. نخستین عدد واقعی و نخستین عددی که شکل هندسی ایجاد می‌کند. «سه، نور، آگاهی روحانی و وحدت، اصل نرینه.» (گورین و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۶۴). سه تداعی‌کنندهٔ انسان (بدن، جان، روح) و چرخهٔ حیات (تولد، زندگی، مرگ) است. در افسانه‌های ایرانی سه عددی مقدس، سمبل خیر، فال خوب، شانس و نشان‌دهندهٔ آفرینش است. «نماد صلاح و کمال و اتمام است.» (هیلنز، ۱۳۸۲: ۴۹۷). در آیین زرتشت هر آتشی را سه بار تطهیر می‌کنند. «(بهار، ۱۳۷۵: ۱۳۸). اصول دین زرتشت نیز بر سه اصل پندارنیک، گفتار نیک و کردار نیک بنیان نهاده شده است. آیین فتوت و جوان‌مردی براساس عدد سه شکل می‌گیرد. فتیان برای پیامبری سه مرحلهٔ مهم قائل‌اند «حضرت آدم (ع) را نقطهٔ آغاز، حضرت ابراهیم (ع) را قطب و حضرت محمد(ص) را خاتم می‌دانند.» (کربن، ۱۳۸۳: ۲۰).

### ث) چهار

این عدد ۱۲ بار در قرآن آمده است. ۴ متداول‌ترین عدد در بین اعداد کهن‌الگویی و کامل‌ترین عدد و نماد کمال الهی و خدای باطنی به‌شمار می‌رود. «چهار متداعی با دایره، چرخهٔ زندگی، چهارفصل، اصل مادینه، زمین، طبیعت و چهار عنصر.» (گورین و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۶۴). از عالم سرّ به دنیا ۴ عالم ظهور دارد. (آسماء، عرش، کرسی و بیت‌المعمور) از عالم دنیا به عالم بالا نیز ۴ عالم است. (ملک، ملکوت، ذر،

لاهورت). ۴ همدفی که در واقع چهار ستون حدودالهی است و همه انبیا برای آن تلاش کرده، به شهادت رسیدند: (أَقَمْتُ الصَّلَاةَ، آتَيْتَ الزُّكُوهَ، أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ). این عدد در میان مسیحیان نماد برکت و فراوانی است. «در قرون وسطی چهار گوشه صلیب را معادل چهار منطقه بهشت می‌دانستند.» (کاسیرر، ۱۳۷۸: ۲۳۶). «معنای نمادین چهار با مربع و صلیب ارتباط می‌یابد. از عدد چهار برای نشان دادن آنچه مستحکم، ملموس و محسوس است استفاده می‌شد.» (شوالیه، ۱۳۸۸، ۲: ۵۵۱).

### ج) پنج

این عدد دو مرتبه در قرآن آمده و در اسلام عددی بسیار مقدس است و به ۵ نور آفریده شده پیش از نخستین آدم اشاره دارد. عدد ۵ بین فلاسفه نیز اهمیت بالایی دارد. آنها معتقد به قدمای خمسه هستند و پنج اصل خدا، نفس، هیولی، زمان و مکان را قدیم می‌دانند. «عالم کبیر بشری و عدد انسان؛ زیرا به صورت پنج ضلعی است با بازوان و پاهایی که از ران خارج شده‌اند. پنج ضلعی یعنی بی‌کرانگی وجود و نمادهای قدرت و کمال دایره را نیز شامل می‌گردد.» (عارفی، ۱۳۹۵: ۳۶). «پنج عدد وصلت الهی است زیرا حاصل ترکیب عدد مؤنث و زوج «دو» و عدد فرد و مذکر «سه» است و فیثاغورثیان آن را عدد نکاح خوانده‌اند.» (عارفی، همان: ۳۶). «عدد پنج نماد مراقبه، دین، وساطت و تغییرپذیری است و به استثنای شرق، به معنای حس است.» (همان).

### چ) شش

این عدد ۷ بار در قرآن آمده است. کوچک‌ترین عدد کامل، نماد اعتدال، هماهنگی و عدد سرنوشت معنوی، پایداری، هارمونی، هماهنگی، تولیدکننده اکثر اعداد اتحاد قطبین، خنثی، دو جنس، دو مثلث در هم تنیده. «سمبل عشق، شانس، فرصت، عدد برنده تاس، ستاره داوود و تضمین سلیمان، آب، زمین، موازنه کامل.» (حیدری، ۱۳۹۲: ۷۵). «عدد شش علامت انسان از نظر جسمانی بدون عامل نجات بخش و بدون قسمت غایی وجود است. بدون آنچه باعث می‌شود با خدا تماس داشته باشد.» (نورآقایی، ۱۳۷۸: ۷۴). در قرآن آمده است خدا جهان را در شش روز (دوره) آفرید. (اعراف، ۷: ۵۴- یونس، ۱۰: ۲- هود، ۱۱: ۷).

### ح) هفت

این عدد، ۲۴ بار در قرآن و مکرر در انجیل آمده است. «هفت هفتصدبار در انجیل ذکر شده است.» (شاهین، ۱۳۸۳: ۱۰۴). «قوی‌ترین همه اعداد نمادین، نشان‌گر وحدت سه و چهار، کامل شدن دایره، نظم مطلق.» (گورین و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۶۴). «هفت عدد مادر کبیر، هفت طبقه کیهان، آسمان‌ها، دوزخ‌ها و...» (نیکوبخت و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۹۴). «افق در شعله‌ای منفجر خواهد شد و هفت دروازه خورشید در آسمان ظاهر خواهد گردید و دریاها را خشک خواهد کرد و زمین را خواهد سوزاند.» (الیاده، ۱۳۷۶: ۵۶). «مصریان هفت ایزد روشنایی و هفت ایزد تاریکی داشتند.» (شاهین، ۱۳۸۳: ۱۰۴). «آئین میترا بر پایه هفت مرحله بنا شده است.» (ورمازون، ۱۳۷۸: ۱۶۷، ۱۸۵). «عدد هفت کنایتی بود از هفت سیاره‌ای که روان پس از جدایی از تن، برای رسیدن به سرزمین روشنایی بی‌پایان باید از آن می‌گذشت.» (کومن، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

## خ) هشت

این عدد ۵ مرتبه در قرآن آمده و «نماد سعادت، ایقاع کامل به لحاظ معنوی و عدد بهشتِ بازیافته است.» (عارفی، ۱۳۹۵: ۳۹). در باورهای اسلامی، هشت فرشته، عرش را نگه داشته‌اند. در کشتی نوح نیز هشت نفر نجات یافتند. در اندیشه‌های مسیحی، عدد هشت، مفهوم تولد دوباره و باززایی دارد چراکه مسیح در روز هشتم برخاست. هشت دلالت بر دوستی، دوران‌دیشی، پند، اندرز و عدالت دارد و به‌عنوان مکعب یا تکرار اولین عدد زوج برآن است که به قانون بدوی طبیعت یعنی برابری همهٔ انسان‌ها اشاره کند. هشت عددی است که با عرش، آسمان، فضا، جهات، تمامیت و کمال، باززایی و تولد دوباره، رستاخیز، نظم آسمانی، خلقت و آفرینش، باروری، انسان، آمرزش، بهشت، تعادل کیهانی، واسط میان زمین و آسمان و عددی مربوط به عالم بالاست و در ناخودآگاه این عدد، تلاش برای گذر از مراحل زمینی دیده می‌شود.

## د) نه

عدد ۹ سه بار در قرآن دیده می‌شود. «حاوی همهٔ قدرت‌هاست. نالوث سه بخشی، کامل بودن، خرسندی، دسترسی، آغاز و پایان، کمیت، عدد ملکوتی و فرشته‌آسا، بهشت زمینی و عددی انحراف‌ناپذیر است.» نه عدد محیط است از این رو محیط درونی به ۹۰ و ۳۶۰ درجه تقسیم می‌شود. «نماد آن دو مثلث است که به‌نوبهٔ خود نماد نرینه و مادینه، آتش و آب، کوه و غار نیز محسوب می‌شود.» (عارفی، ۱۳۹۵: ۸۰). یک کد پنهانی در این عدد وجود دارد که بزرگ‌ترین حقیقت‌ها را افشا می‌کند و این عدد به‌طور عجیبی در ساختار هستی و جهان پیرامون کدگذاری شده است که بر همهٔ جانداران تأثیر مستقیم دارد و آن راز جهان هستی با کد اعداد تسلا ۳،۶،۹ است. عدد ۹ حاکم بر زمان و فضا است یعنی: ۱۴۴۰ دقیقه در روز، ۱۰۰۸۰ دقیقه در هفته، ۵۲۵۶۰۰ دقیقه در سال وجود دارد و جای شگفتی اینکه همیشه جمع ارقام دقیقه‌ها و ثانیه‌ها در روز، هفته، ماه و سال برابر با عدد ۹ است.

## ۴.۱. کهن‌الگوی اعداد در «سعادت‌نامه» و «ساقی‌نامه»

در اینجا کهن‌الگوی اعداد در دو اثر «سعادت‌نامه» استرآبادی و «ساقی‌نامه» ترشیزی استخراج و مورد بررسی و تطبیق قرار می‌گیرد.

## الف) صفر

از عدد صفر در هیچ یک از دو کتاب موصوف استفاده نشده است.

## ب) یک

که یک شب داشت آن خورشید ثانی      نهانی جا به برج ام هانی

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۸۱۴)

یک نمادی از شروع و آغاز است و در اینجا در همین مفهوم به‌کار برده شده است.

به یک حمله ز عرش و فرش رستی      نظر در راه او طرفی نبستی

(همان: ۸۱۶)



یک، نمادی از وحدت آغازین و شروع است و در این ابیات به نشانه آغاز حقیقت از کلام ناموس‌اکبر به پیامبر(ص) آورده شده است.

به هر یک آسمان این حال بوده بدین سان روح قدسی در گشوده

(همان: ۸۲۲)

عدد یک در این بیت نمادی از موجودیت است. نمادی از کشف، الهام و واسطه‌ای برای بالا بردن انسان به سطح موجودی برتر از طریق شناخت که پیامبر(ص) در هر سطح از آسمان آن را تجربه می‌کند.

زهی بارگاه زمین آسمان که یک حجره اوست کاخ مکان

(ترشیزی، ۱۳۹۱: ۵۱)

در این بیت یک در معنای نمادین موجودیت استفاده شده است.

به خلقی که یک قطره‌اش بی‌درنگ تف کبر چینند ز مغز پلنگ

(همان: ۵۷)

در این بیت یک نمادی از وحدت وجود است.

یکی در عرب دیگری در عجم از او راز گویند در گوش هم

(همان: ۲۰۱)

یک نمادی از موجودیت و شناخت است. در این بیت، برای شرح روایت از آن استفاده شده است.

به سر بر به یک توبه استوار ز قیمت فتد چینی بنددار

(همان: ۲۵۵)

در این بیت یک نمادی از وحدانیت است.

عدد یک در «سعادت‌نامه» و در مفاهیم کلی آغازگر، موجودیت، کشف، الهام و واسطه‌ای برای بالا بردن انسان به سطح کمال آمده است. در «ساقی‌نامه» نیز در معنی نمادین وحدت وجود، موجودیت، شناخت و نیز وحدانیت آمده است. هر دو شاعر معنا و مفهوم نمادین مشابهی را درباره این عدد مورد نظر داشته‌اند. به‌طور کلی باید گفت هرآنچه در مفهوم نمادین عدد یک وجود داشته در اندیشه و شعر/سترآبادی و ترشیزی به‌کار گرفته شده است.

## پ) دو

دو تا شد چرخ با این سرفرازی که پا بر وی نهی سر برفرازی  
به عیسی یک دو دم هم‌خانه می‌باش به گرد شمع خور پروانه می‌باش

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۸۱۴)

دوتا شدن چرخ، کنایه از خم شدن است و در اینجا نشانی از تغییر است که از رموز عدد دو قلمداد می‌شود. یک دو دم نیز کنایه‌ای است از کوتاهی زمان. در واقع یکی از نمادهای عدد دو نشانه آن در گذر زمان است و در این ابیات هم به همین منظور از آن استفاده شده است.

دو روزی از تردد ناتوان بود      به سامان سر یزدانی نهان بود

(همان: ۸۱۱)

یکی از نمادهای عدد دو، آرامش موقت نیروهاست که در این بیت و در بیان ذکر حالات پیامبر(ص) و زمانی برای تدبیر و تأمل استفاده شده است.

دو عالم بین هر مرتاض و عیاش      به خواب از دانه این سبز خشخاش

(همان: ۸۱۵)

دو عالم، نمادی شمسی و مظهر قدرت است. این عدد اتصال بین دو عالم را نشان می‌دهد و در این بیت نیز در همین معنی استفاده شده است.

دو کس را دید بر جایی نشسته      ز کام هر دو عالم چشم بسته  
یکی یحیی دگر عیسی مریم      دو در دل فروز درج آدم

(همان: ۸۲۳)

دو، در این بیت نشانی از وحدت و اتصال است که میان حضرت مریم و حضرت یحیی به کار برده شده است.

دو روزی که روی بر خوانش آن‌گاه      به مضمون کن عمل می‌باش آگاه  
به قطع راه عبدالله می‌راند      دو روز وعده چون شد نامه برخواند...  
دو روزی چون گذشت از دور گردون      به گردون شد غبار از صحن هامون

(همان: ۹۱۱)

در این ابیات که در ماجرای غزوه عبدالله بن جحش اسدی گفته شده، دو، نمادی از گناه ناشی از انحراف از خیر اولیه و نمادی از ناپایداری است.

دو مصرع به یک وزن بر هم نهی      به موزونیش سر به عالم دهی

(ترشیزی، ۱۳۹۴: ۲۷۳)

دو، در معنای دوتایی نماد عددی است که از وحدت دوری می‌جوید و اینجا در وصف مصرع از آن استفاده شده است.

دو صد معنی آب حیوان فداست      به هر جا که لفظم از آن خاک پاست

(همان: ۲۸۶)

دو در این بیت، نمادی از قدرت است که در وصف احوال شاعر سروده شده است. عدد دو در سعادت‌نامه در معانی نمادین تغییر، گذر زمان، آرامش موقت نیروها، مظهر قدرت و اتصال بین دو عالم، گناه ناشی از انحراف و ناپایداری آمده است. در ساقی‌نامه نیز در معنی دوری از وحدت و نماد قدرت آمده است. هر دو شاعر معنا و مفهوم نمادین مشابهی را دربارهٔ این عدد مورد نظر داشته‌اند. البته بسامد این عدد در «ساقی‌نامه» کمتر از «سعادت‌نامه» است ولی در بیان مفهوم نمادین آنها مشابهت وجود دارد و تنوع معانی نمادین در «سعادت‌نامه» به دلیل حجم بیشتر ابیات می‌باشد.

### ت) سه

سه بار یکدل یک روی عاشق      جنیب و زید و عبدالله طارق

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۱۳)

عدد سه، نمادی از نور و آگاهی روحانی است که در این بیت برای سه تن که در یاری پیامبر(ص) می‌جنگیدند و توسط کفار در حال به‌دار آویخته شدن بودند، استفاده شده است.

سه روزش قدسیان پرشش نمایند      در توفیق بر رویش گشایند

(همان: ۷۰۱)

سه نمادی از نور و آگاهی است که در ماجرای تولد حضرت علی(ع) بیان و روز سوم را قدسی معرفی می‌کند.

نه از هر اسیری است طوق سخن      برای سه چاریست ذوق سخن

(ترشیزی، ۱۳۹۴: ۲۷۵)

در اینجا نمادی از آگاهی است که شاعر در توصیف احوال سخنش از آن استفاده کرده است. عدد سه در «سعادت‌نامه» و «ساقی‌نامه» در مفاهیم کلی نور و آگاهی آمده و هر دو شاعر معنا و مفهوم نمادین مشابهی را دربارهٔ این عدد مورد نظر داشته‌اند.

### ث) چهار

سلامش کرد از آنجا گشت عازم      به چارم دیر و جبریلش ملازم

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۸۲۴)

چهار در اینجا نمادی از چرخهٔ زندگی است و نشانی از قدمت در دورترین زمانی که جبرئیل همنشین اوست. صومعهٔ چهارم، نشان از جایی است که به خدای باطنی نزدیک است.

که این ناخوش خبر در عالم افتاد      صدا در زیر طاق چارم افتاد

(همان: ۱۲۲۱)

چهار در این بیت، نمادی از خدای خالق است. چیزی شبیه به خدای باطنی درون. در این بیت شاعر صدای آورنده خبر بیماری پیامبر(ص) را از شدت سختی، ناخوش و تلخ بودن، صدایی نالان می‌داند که به گوش فلک چهارم هم رسید.

نه از هر اسیری است طوق سخن      برای سه چاریست ذوق سخن

(ترشیزی، ۱۳۹۴: ۲۷۵)

چهار نمادی از طبیعت و ایستایی است که شاعر در توصیف احوال سخنش بر ایستایی آن تاکید می‌کند.

به میزان دفتر گشایان دل      شمارش چهار است و وزنش چهل

(همان: ۲۸۸)

چهار در این بیت، نمادی از کلیت و یکپارچگی است که شاعر در وصف دفتر شعرش بیان می‌کند.

چهار آلف اول قلم دادشان      به تقریبی افزود پانصد بر آن

(همان: ۲۸۸)

چهار آلف در معنای چهارهزار است. چهار در این بیت، نمادی از چرخه زندگی است و از حیث قدمت به دورترین زمان‌ها و شاید به دوران قبل از تاریخ اشاره دارد. این عدد در «سعادت‌نامه» در معنی نمادین چرخه زندگی، قدمت، دورترین زمان، خداوند خالق و باطن به کار برده شده و در «ساقی‌نامه» به معنی طبیعت، ایستایی، کلیت و یکپارچگی چرخه زندگی، قدمت و دورترین زمان آمده است. هر دو شاعر معنا و مفهوم نمادین مشابهی را درباره این عدد مورد نظر داشته‌اند.

### ج) پنج

نبی دید و سلامش کرد و بگذشت      تکاور راند سوی پنجمین دشت

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۸۲۴)

پنج، عدد مرکز و نشانی از هماهنگی و توازن دو عالم است. عددی نیرومند در نقطه وصلت که در معراج پنجمین دشت، نشانی است از مرکزیت دو عالم دارد.

چهار آلف اول قلم دادشان      به تقریبی افزود پانصد بر آن

(ترشیزی، ۱۳۹۴: ۲۸۸)

پانصد، از ریشه پنج است. پنج در این بیت، نمادی از هماهنگی و توازن است زیرا عدد مرکز شناخته می‌شود.

این عدد در «سعادت‌نامه» در معانی نمادین هماهنگی، توازن و نقطه وصلت آمده و در «ساقی‌نامه» نیز در معنی هماهنگی و توازن به کار رفته است.

## چ) شش

شش دیگر ز اهل دین به هیجا      ز تیغ خصم افتادند هر جا

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۱۳)

عدد شش، نماد شانس، بخت و اقبال است که برای اهل دین به کار برده شده، در اینجا نیز به‌عنوان نشانه شانس برنده شدن در برابر دشمن آمده است.

از آن مسند شهنشاہ جوان بخت      به دولت رفت بالای ششم تخت  
در آنجا دید پیری با عمامه      سفیدش چون ردای صبح جامه

(همان: ۸۲۴)

شش نماد وحدت اعداد است. نمادی از بخت و اقبال که در این ابیات و در باب ملاقات پیامبر(ص) با حضرت موسی نشان داده می‌شود.

این عدد در «سعادت‌نامه» در معنی نمادین شانس، بخت و اقبال آمده و در «ساقی‌نامه» استفاده نشده است.

## ح) هفت

غباری ریخته از روی بامش      سپهر هفتمین گردیده نامش

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۶۵۸)

هفت طبقه آسمان نمادی از تمامیت و کامل بودن است که در این بیت شاعر در مدح شاه اسماعیل حیدر به کار برده است.

چراغ دودمان هفت کشور      شهنشه شاه اسماعیل حیدر...  
چو با شمشیر کین سر پنجه افراخت      به هفت اندام گردون لرزه انداخت

(همان: ۶۵۸)

عدد هفت در اینجا، نمادی از کامل بودن است و در تفضیل شاه اسماعیل حیدر به کار برده شده است.

از آن هفتی که اهل کفر بودند      ز یثرب نقد کام خود نمودند

(همان: ۱۰۱۱)

عدد هفت، در این بیت، نمادی است از کامل شدن دایره دشمن، در غزوه رجیع که شاعر با استفاده از عدد هفت، نظم دشمن را نشان می‌دهد.

مسافر زان نشیمن نیز بگذشت      مه تابان برج هفتمین گشت  
کلیم الله نشست و راز بگریست      به او گفتند کآخر گریه از چیست

(همان: ۸۲۵)

عدد هفت که نمادی از کامل بودن است در این ابیات با همین معنا در ماجرای مربوط به پیامبر(ص) نشان داده شده است. این عدد در «سعادت‌نامه» در معنی تمامیت، کمال، نظم و کامل شدن دایره دشمن استفاده شده و در «ساقی‌نامه» نیز به کار برده نشده است.

### خ) هشت

گلو گردید تر گاو زمین را  
از آن طوفان جهان گر رفت بر باد  
حباب انجم سپهر هشتمین را  
ازین طوفان ولی عالم شد آباد

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۷۲۴)

در این ابیات، تولد حضرت محمد(ص) به عنوان ستاره آسمان هشتمین مطرح شده است. در «سعادت‌نامه» این عدد برای شمارش استفاده شده در «ساقی‌نامه» نیز از این عدد استفاده نشده است.

### د) نه

نهم طارم شد از قصرش سرافراز  
شود اطلس شهان را پای انداز

(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۸۲۶)

عدد شگفت‌انگیز نه، نمادی از بلوغ است. این بیت که درباره سرافراز پیامبر(ص) است و با عدد ۹ همراه شده است. این عدد در سعادت‌نامه در معنی بلوغ آمده و در ساقی‌نامه نیز از آن استفاده نشده است.

## نتیجه گیری

در این مقاله به تطبیق اعداد نمادین در دو اثر «سعادت‌نامه» نظام‌الدین/استرآبادی و «ساقی‌نامه» ظهوری‌ترشیزی پرداخته و دریافتیم که هر دو شاعر شگردهای ادبی را برای استفاده از اعداد نمادین به کار برده و شناخت عمیق و دقیقی از کهن‌الگوی اعداد داشته‌اند. با وجود اینکه از تمامی اعداد در «ساقی‌نامه» استفاده نشده، هر دو شاعر در معانی نمادین، مشابه عمل کرده و آنها را در مفاهیم کاربردی یکسانی به کار برده‌اند. اعداد در هر دو دیوان از بسامد یکسانی برخوردار نبوده و درصد استفاده استرآبادی از اعداد نسبت به ظهوری بیشتر است.

یک: در «سعادت‌نامه» نماد شروع، وحدت‌آغازین، موجودیت، کشف، الهام و واسطه بالابردن انسان به سطح موجودی برتر و در «ساقی‌نامه» نماد موجودیت، وحدت وجود و وحدانیت است. بین معنای نمادین در دو دیوان شباهت وجود دارد. دو: در «سعادت‌نامه» نماد گذر زمان، آرامش موقت، قدرت، دوری از وحدت، اتصال، ناپایداری و گناه ناشی از انحراف و در «ساقی‌نامه» نماد دوری از وحدت و قدرت است. بین معنای نمادین در دو دیوان شباهت وجود دارد. سه: در «سعادت‌نامه» نماد نور و آگاهی روحانی و در «ساقی‌نامه» نیز نماد نور و آگاهی استفاده است. بین معنای نمادین در دو دیوان شباهت وجود دارد. چهار: در «سعادت‌نامه» نماد خدای خالق و در «ساقی‌نامه» نماد طبیعت و ایستایی، کلیت و یکپارچگی است. بین معنای نمادین در دو دیوان تفاوت وجود دارد. پنج: در «سعادت‌نامه» نماد مرکز هماهنگی و توازن بین دو

عالم و نقطهٔ وصلت و در «ساقی‌نامه» نیز در همین معنا استفاده شده است. بین معنای نمادین در دو دیوان شباهت وجود دارد. شش: در «سعادت‌نامه» نماد شانس، اقبال، بخت و وحدت اعداد است. در «ساقی‌نامه» استفاده نشده است. هفت: در «سعادت‌نامه» نمادی از تمامیت، کامل بودن و کامل شدن است. در ساقی‌نامه از آن استفاده نشده است. هشت: در «سعادت‌نامه» نماد رستاخیز و سعادت است. در «ساقی‌نامه» استفاده نشده است. نه: در «سعادت‌نامه» نماد بلوغ است. در «ساقی‌نامه» استفاده نشده است. اعداد نمادین در هر دو دیوان بیشتر در مفاهیم مذهبی و در مرتبهٔ بعد در مفاهیم ملی استفاده شده و سایر موارد در اولویت‌های بعدی هستند. در «سعادت‌نامه» عدد دو بالاترین بسامد و اعداد پنج، هشت و نه با میزان استفادهٔ نسبتاً برابر، کمترین بسامد را دارند. در «ساقی‌نامه» عدد یک بالاترین بسامد و اعداد سه و پنج، کمترین بسامد را دارند. از بعضی اعداد در این دیوان استفاده نشده است. اعداد نمادین در هر دو دیوان بیشتر در مفاهیم مذهبی و در مرتبهٔ بعد در مفاهیم ملی استفاده شده و سایر موارد در اولویت‌های بعدی هستند. در «سعادت‌نامه» عدد دو بالاترین بسامد و اعداد پنج، هشت و نه با میزان استفادهٔ نسبتاً برابر، کمترین بسامد را دارند. در «ساقی‌نامه» عدد یک بالاترین بسامد و اعداد سه و پنج، کمترین بسامد را دارند. از بعضی اعداد در این دیوان استفاده نشده است.

## منابع

### کتاب‌ها

#### قرآن کریم.

- استرآبادی، نظام‌الدین. ۳۹۱۱. **دیوان اشعار نظام‌الدین استرآبادی**، تحقیق و تصحیح شایسته ابراهیمی. مرضیه بیک‌وردی لو. تهران: کتابخانهٔ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- الیاده، میرچا. ۱۳۷۶. **افسانه و واقعیت**، ترجمهٔ نصرالله زنگویی. تهران: پایپروس.
- بهار، مهرداد. ۱۳۷۵. **پژوهشی در اساطیر ایران**، چ ۲. تهران: آگه.
- پراپ، ولادیمیر. ۱۳۸۶. **ریخت‌شناسی قصه‌های پریان**، ترجمهٔ فریدون بدره‌ای. چ ۲. تهران: توس.
- پلی، ارنست. ۱۳۷۸. **رؤیا و تعبیر رؤیا**، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان. تهران: میترا.
- ظهوری ترشیزی، نورالدین محمد. ۱۳۹۴. **ساقی‌نامه**، تصحیح علی‌اصغر باباسالار و سیده‌پرنیان دریاباری. تهران: دانشگاه تهران.
- حیدری، اصغر. ۱۳۹۲. **شناخت روحيات ملل**، تهران: مه‌کامه.
- رزمجو، حسین. ۱۳۸۱. **قلمرو ادبیات حماسی ایران**، ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساجدی، طهمورث. ۱۳۸۷. **از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی**، تهران: امیرکبیر.
- سرمدی، محمود. ۱۳۸۰. **واژگان پژوهی قرآنی**، قم: الهادی.
- شبستری، عبدالحسین. ۱۳۷۶. **اعلام‌القران**، ج ۱، قم: مرکز انتشارات حوزهٔ علمیه.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۳. **داستان یک روح**، چ ۶، تهران: فردوسی.

- شوالیه، ژان و دیگران. ۱۳۸۸. فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضالی. ج ۲. چ ۳. تهران: جیحون.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۸۲. تاریخ ادبیات در ایران. دوره پنج جلدی. جلد ۳، ۵، ۴. چاپ دوازدهم. تهران: فردوس.
- عارفی، راهب. ۱۳۹۵. آشنایی با کهن‌الگو و نمادها، تهران: راشدین.
- فرشیدورد، خسرو. ۱۳۶۸. درباره ادبیات و نقد ادبی، جلد ۲. تهران: امیرکبیر.
- فیومی، سعید صلاح. ۱۳۷۹. معجز الارقام و الترقیم، مصر: مکتبه القدسی.
- کاسیرر، انرست. ۱۳۷۸. فلسفه صورت‌های سمبلیک اندیشه‌اسطوره‌ای، ترجمه یدالله موقن. تهران: هرمس.
- کرین، هانری. ۱۳۸۳. آئین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی. تهران: سخن.
- کومن، فرانتس. ۱۳۸۳. آیین پر رمز و راز میتراپی، ترجمه هاشم رضی، چ ۲، تهران: بهجت.
- گنون، رنه و دیگران. ۱۳۸۷. هرمس و زبان مرغان، ترجمه امین اصلانی. تهران: جیحون.
- گورین، ویلفرد و دیگران. ۱۳۷۶. راهنمای رویکردهای نقد ادبی، ترجمه زهرا میهن‌خواه. چ ۳. تهران: اطلاعات.
- گویارد، ام. اف. ۱۳۷۴. ادبیات تطبیقی، ترجمه علی‌اکبر خان‌محمدی. تهران: پازنگ.
- منزوی، احمد. ۱۳۴۸. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۱۵. تهران: سازمان همکاری منطقه‌ای.
- مورنو، آنتونیو. ۱۳۸۶. یونگ خدایان و انسان مدرن، ترجمه داریوش مهرجویی. تهران: مرکز.
- میرصادقی، جمال. ۱۳۸۲. داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران، تهران: اشاره.
- نورآقایی، آرش. ۱۳۸۸. عدد نماد اسطوره، تهران: افکار.
- ورمازون، مارتین. ۱۳۸۰. آئین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاده. چ ۳. تهران: چشمه.
- هینلز، جان. ۱۳۸۲. شناخت اساطیر ایران، چ ۸. ترجمه ژاله آموزگار. تهران: نشر افکار.
- یاوری، حورا. ۱۳۷۴. روان‌کاوی و ادبیات، تهران: تاریخ ایران.
- یونگ، کارل گوستاو. ۱۳۷۳. انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه. چ ۷. تهران: چشمه.

## مقالات

- ساسانی، مریم؛ علوی مقدم. ۱۳۸۶. «بررسی تطبیقی بازآفرینی اسطوره‌ها در شعر معاصر». فصل‌نامه مطالعات ادبیات تطبیقی. دوره ۱. ش ۳. صص ۱۱-۳۶.
- کیستی، جوتین. ۱۳۸۵. «نشانه‌شناسی و اسطوره در فرش شرقی». ترجمه مینو بهرامی. کتاب ماه هنر ش ۹۵ و ۹۶.
- نیکویخت، ناصر و همکاران. ۱۳۸۹. «خویش‌کاری‌های مشترک فلز، آب و آتش در اساطیر و باورهای ایرانی». شعرپژوهی. سال ۲. ش ۴. صص ۱۹۱-۲۱۰.
- نیکویخت، ناصر و همکاران. ۱۳۸۸. «بررسی کهن‌الگوی آب و درخت در شعر طاهره صفارزاده». پژوهش‌های ادبی. سال ۶. ش ۲۴. صص ۱۴۵-۱۷۳.



## Resources

The Holy Quran.

Astrabadi Nizamuddin. (1391). *Diwan's Poems by Nizamuddin Astarabadi. Proper research and correction.* Ebrahimi .Marziyeh Beykverdiloo .Tehran: Library of the Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly.

Eliade Mirchah. (1376). *Myth and reality.* Translated by Nasrullah Zangui. Tehran: Papyrus.

Bahar Mehrdad.(1375). *Research in Iranian mythology.* Edition 2. Tehran: Ad.

Prop Vladimir. (1386). *Morphology of fairy tales.* Translated by Fereydoun Badrah. Edition 2. Tehran: Toos.

Polly Ernst. (1378). *Dream and interpretation of dream.* Translation of the heart of the hero. Tehran: Mitra.

Zohuri Tarshizi NorodinMohammad. (1394).*Saqhinameh.* Corrected by Ali Asghar Babasalar and Seyed Parnian Daryabari. Tehran: University of Tehran.

Heydari Asghar. (1392). *Understanding the spirits of nations.* Tehran: Mahkameh.

Razmjoo Hussein. (1381). *The realm of Iranian epic literature.* volume 1. Tehran: Research Institute of Humanities, Cultural Studies.

Sajedi Tahmures. (1387). *From comparative literature to literary criticism.* Tehran: Amirkabir

Sasani, Maryam ;Alavi moqadam .2007" .A Comparative Study of the Recreation of Myths in Contemporary Poetry". *Quarterly Journal of Comparative Literature Studies.* Volume 1 . ش ۳ .Pp. 11-36.

Sarmadi Mahmud. (1380). *Quranic lexicography.* Qom: Al-Hadi.

Shabestari Abdolhoseyn. (1376). *Announcement of the Quran.* Volume 1. Qom: Seminary Publishing Center.

Shamisa Sirus. (1383). *The story of a soul.* Edition 6 Tehran: Ferdowsi.

Knight Jean and others. (1388). *Culture of symbols.* Translated by Soodabeh Fazaeli. Volume 2. Edition 3 Tehran: Jeyhun .

Safa Zabihollah. (1382). *History of literature in Iran.* Five-volume course. Volumes 5, 4, 3. Twelfth edition. Tehran: Ferdows.

Mystic monk. (1395). *Familiarity with archetypes and symbols.* Tehran: Rashedin.

Farshidvard Khosrow. (1368). *About literature and literary criticism.* Volume 2. Tehran: Amirkabir.

Fyumi Saeed Salah. (1379). *Miracle of numbers and translators.* Egypt: Holy School.

Cassirer Ernst. (1378). *Philosophy of symbolic forms. Mythical Thoughts.* Translated by Yadullah Mowqan. Tehran: Hermes.

Carbon Henry. (1383). *The ritual of chivalry.* Translated by Ehsan Naraghi. Tehran: Sokhan.

Commune Franz. (1383). *The mysterious ritual of Mithraism.* Translated by Hashem Razi, second edition, Tehran: Behjat.

Guenon Rene and others. (1387). *Hermes and the language of birds.* Translated by Amin Aslani. Tehran: Jeyhun.

Gurina and others. (1376). *A Guide to Literary Criticism Approaches.* Translated by Zahra Mihankhah. Print 3. Tehran: Information.

Goyard M.F. (1374). *Comparative literature.* Translated by Ali Akbar Khan Mohammadi. Tehran: Pajeng.

Monzavi Ahmad. (1348). List of Persian manuscripts. Cover

#### COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: نوروزعلی زینب، خیالی خطیبی احمد، حلبی علی اصغر، مقایسه دو منظومه سعادت‌نامه  
استرآبادی و ساقی‌نامه ظهوری از منظر معناشناسی اعداد، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۶،  
شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۱۲۰-۱۰۳.